

آیا نظام اقتصادی ایران پس از جنگ تغییر می‌کند؟



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاددانشگاه

آیا اقتصاد ایران پس از جنگ تغییر می‌کند؟ این سوالی است که بسیار می‌پرسند و برای اغلب افراد دغدغه جدی است. اینکه گفته می‌شود جنگ و تهاجم علیه ایران تغییرات زیادی در نظام جهانی از جمله نظام بازار و تجارت ایجاد کرده است؛ آیا مردم ایران نیز شاهد تغییر در نظام اقتصادی کشورشان خواهند بود؟ ماکس ویسر، از بنیان‌گذاران علم جامعه‌شناسی، تصور می‌کند جنگ از عوامل اصلی ایجاد تغییر در نظام‌های اقتصادی بوده و هست. در نگاه این جامعه‌شناس، جنگ پدیده‌ای اقتصادی نیست اما دارای جهت اقتصادی است، به این معنا که در آغاز، میانه و پایان جنگ به مسائل اقتصادی توجه می‌شود. جهت اقتصادی یعنی اینکه پدیده‌ای با وجود اهداف غیراقتصادی، ملاحظات اقتصادی حصول اهداف اقتصادی انجام شود. اما مسئله این است که جنگ چه تغییری در نظام اقتصادی پس از آتش‌بس یا صلح ایجاد می‌کند. جنگ، نظام اقتصادی ژاپن و آلمان را تغییر داد. در ایران پس از جنگ هشت‌ساله نظام اقتصادی تغییر کرد. هرچند درباره فرم و محتوای نظام اقتصادی آن زمان و همچنین پیامدهای آن مباحث بسیاری وجود دارد که در اینجا محل بحث ما نیست. پس از پایان جنگ و در اواخر دهه ۱۳۶۰ نظام اقتصادی متفاوت از نظام اقتصادی زمان جنگ شد. پایان جنگ هشت‌ساله به نحوی پایان نظام اقتصادی دهه اول پس از انقلاب اسلامی نیز به شمار می‌آید. اما آیا پس از این جنگ و تهاجم آمریکا و اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس به ایران، اقتصاد ایران تغییر خواهد کرد؟ آیا منجر به کاهش سطح زندگی و منابع خواهد شد؟ وضعیت توزیع مزایا و منابع اقتصادی چگونه خواهد بود؟ آیا جنگ فرصت مناسبی برای تغییر در نظام اقتصادی ایران است؟ بحث اصلی این است که با کمبود منابع و امکانات پس از جنگ و همچنین ضرورت بازسازی می‌توان به بهبود وضعیت اقتصادی امیدوار بود. به نظر می‌رسد جنگ ممکن است دوتوع تغییر در نظام اقتصادی ایجاد کند.

الف- نظام اقتصادی ایران عقلانی تر می‌شود که در چند مؤلفه خلاصه می‌کنم. صرفه‌جویی در مقایس وسیع صورت می‌گیرد و هدردهی منابع انرژی و آب و همچنین بودجه دولت کمتر می‌شود. به‌عبارتی ممکن است با فشارهای حاصل از محدودیت منابع، فعالیت‌های اقتصادی به ویژه رفتار دولت عقلانی‌تر و توزیع ابزار تولید دموکرات‌تر شود؛ یعنی توزیع انحصاری منابع و ابزار تولید کمتر می‌شود. الزام به بازسازی و کمبود منابع دولت باعث رقابت تنظیم‌شده بین بنگاه‌های اقتصادی شود و نظام اقتصادی در این رقابت تنظیم‌شده رونق بگیرد. یعنی ضرورت بازسازی فیزیکی باعث تغییر در نظام سیاست‌گذاری اقتصادی و فناوری‌های تولید می‌شود؛ به این معنا که بنگاه‌ها به سمت تکنولوژی‌های روز حرکت می‌کنند و این وابسته است به کشایش‌ها در زمینه کاهش تحریم پس از جنگ و بازسازی روابط خارجی.
ب- نظام اقتصادی عقلانیت کمتری داشته باشد که این مسائل ممکن است رخ دهد: ممکن است اندازه دولت بزرگ‌تر و حجیم‌تر شود که تورم کم‌ماکن بسیار پرنوسان و بالا باقی بماند. کنترل و نظارت دولت بر بنگاه و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر شود و به دلیل راهبرد بازسازی، توزیع منابع انحصاری‌تر شود. توجه به بازسازی فیزیکی مانع از توجه به بازسازی در نظام اقتصادی شود. اما به نظر می‌رسد فردای جنگ فرصت مناسبی باشد برای تغییر در نظام اقتصادی. هم‌زمان با بازسازی فیزیکی، بازسازی نظام اقتصادی هم مورد توجه قرار گیرد. افرادی به این تغییر خوش بین هستند و گروهی نیز با بدبینی به وضعیت اقتصادی ساختگ می‌نگرند. گاهی گفته می‌شود درآمدهای دولت پس از جنگ به دلیل فروش بیشتر و کاهش اثر تحریم‌ها افزایش می‌یابد و این می‌تواند وضعیت اقتصادی را بهتر کند. اما آیا افزایش درآمد دولت تغییر قابل توجهی در نظام اقتصادی ایجاد می‌کند؟ به نظر می‌رسد تا بازسازی نظام اقتصادی صورت نگیرد، افزایش درآمد دولت لزوماً به تغییر مثبت در نظام اقتصادی منجر نمی‌شود.

دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵
ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۱۸ می ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۸۸
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: از ناوختن هنگ‌درام تا پیک موتوری • صدای مکتوب مستأجران/ محمدرکیم آسایش • از زمین‌لرزه ۱۳۰۹ سلماس تا زمین‌لرزه ۱۴۰۵ پردیس/ مهدی زارع

میانجیگری با چاشنی فرصت‌شناسی

عبدالرحمن فتح‌اللهی: ۴۱ روز از برقراری آتش‌بس میان ایران و آمریکا می‌گذرد؛ آتش‌بسی شکننده که در شکل‌گیری آن، پاکستان نقشی قابل‌توجه ایفا کرد و تلاش داشت خود را به‌عنوان یکی از کاتال‌های اصلی مدیریت بحران میان تهران و واشینگتن تثبیت کند. اسلام‌آباد در این مدت کوشید با بهره‌گیری از روابط هم‌زمان و متوازن خود با ایران، آمریکا، چین و کشورهای عربی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، مسیر گفت‌وگو و کاهش تنش را حفظ کند. با این حال، کارنامه میانجیگری پاکستان نشان می‌دهد که این کشور اگرچه توانست در مقطع اولیه از تشدید بحران جلوگیری کند، اما در عبور از مرحله «مدیریت بحران» به «حل بحران» با محدودیت‌های جدی مواجه شده است. تنها دور نخست مذاکرات در اسلام‌آباد، آن هم در فضای پساجنگ، توانست

چرا هنوز باید از موزه، شهر و فرهنگ سخن گفت؟

موزه در روزگار آوار

در همین زمینه؛ گنجینه‌ای به نام حافظه شهری/ ناصرامانی

صفحه ۷

یادداشت

موزه‌ها راهکاری برای صلح و هم‌زیستی



سیداحمدمحیط‌طباطبایی

رئیس انجمن ملی موزه‌داران

کشور ایران، کشوری است که همین امروز مردم آن با حدود ۶۰ هزار گویش یا یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند که این تعدد گویش و زبان نشان از یک هویت ملی مبتنی بر تنوع فرهنگی دارد. بنابراین این شعار برای ما یادآور این مطلب است که موزه‌ها و در پی آن، نگاه موزه‌ای که گاه مهم‌تر از موزه‌داری است، بستر مناسبی برای نزدیکی همه گروه‌های فرهنگی، قومی، نژادی و مذهبی در ایران است و اگر بخواهیم از منظر جهانی به آن بنگریم، هم‌زیستی و صلحی

گزارش

راه خروج از تنگه هرمز

امیررضا انگچی

تنگه هرمز به یکی از معادلات اصلی جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران تبدیل شده و همین موضوع توجه بسیاری از رسانه‌ها و تحلیلگران اقتصادی را به خود جلب کرده است. در همین زمینه، امیر کرمانی، اقتصاددان و عضو دپارتمان اقتصاد دانشگاه برکلی آمریکا، در مقاله‌ای برای مرکز تحقیقات اقتصادی و سیاسی CEPR نوشته است: «تحلیل مناسب‌ات ژئوپلیتیک و بین‌بست‌های دیپلماتیک میان ایالات متحده و ایران در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد تلاش‌های سیاسی همواره با موانع ساختاری عمیقی روبه‌رو بوده‌اند که مانع از شکل‌گیری یک توافق پایدار و همه‌جانبه شده است. بررسی ریشه‌های این ناکامی‌ها آشکار می‌سازد که یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها، معضل ناترازی زمانی و نبود تقارن در ساختار تعهدات متقابل است؛ وضعیتی که در آن یک طرف ناچار است سرمایه‌های استراتژیک، عینی و غیرقابل بازگشت خود را واگذارد کند، در حالی که تعهدات طرف مقابل، به‌ویژه در حوزه رفع تحریم‌های اقتصادی، ماهیتی به‌شدت برگشت‌پذیر دارند و تضمین حقوقی محکمی برای تداوم آنها وجود ندارد. این ناترازی بنیادین سبب شده است هرگونه پیش‌نویس یا چارچوب اولیه برای حل‌وفصل بحران، با بی‌اعتمادی عمیق متقابل مواجه شود و چرخه‌ای مداوم از چانه‌زنی‌های بی‌حاصل و بازگشت به رفتارهای تدافعی و تهاجمی شکل بگیرد که ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی را به مخاطره انداخته است. علاوه بر ناترازی زمانی، پدیده انباشت تعهدات سیاسی و فشارهای ناشی از افکار عمومی و گروه‌های ذی‌نفع داخلی در هر دو کشور، چالش بزرگ دیگری است که هرگونه مصالحه محدود یا تک‌موضوعی را عملاً غیرممکن ساخته است. تصمیم‌گیران کلیدی در واشینگتن و تهران همواره تحت تأثیر تعهدات پیشین خود به پایگاه‌های سیاسی و عقیدتی داخلی قرار دارند و به همین دلیل، پذیرش یک توافق حداقلی که فقط به جنبه‌های محدودی از بحران، مانند جنبه‌های فنی یا هسته‌ای بپردازد، از منظر هزینه-فایده سیاسی داخلی برای آنان بسیار گران تمام می‌شود. در چنین فضایی، هر نوع انعطاف دیپلماتیک به‌سرعت به‌عنوان عقب‌نشینی یا تسلیم تعبیر می‌شود که این امر پویایی‌های چانه‌زنی را فلج کرده و راهبردهای کلان را به سمت اتخاذ مواضع سرسختانه‌تر سوق می‌دهد؛ امری که لزوم بازتعریف کلان و همه‌جانبه مسئله و ورود به فاز جدیدی از طراحی‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک ساختاریافته را بیش از پیش نمایان می‌سازد.»

به سوی توافقی پایدار؟

اگر اقتصاددان در ادامه می‌نویسد: «وقوع هم‌زمان تنش‌ها و بحران‌های درپایی جدید، به‌ویژه در آبراه حیاتی تنگه هرمز و شکل‌گیری محاصره‌های متقابل، به طرز غیرمنتظره‌ای پویایی‌های سنتی قدرت و ابزارهای فشار را در این منازحه طولانی‌مدت دگرگون کرده است. پیش از این، ایالات متحده با تکیه بر هم‌ژنوی مالی خود، از تحریم‌ها به عنوان یک سلاح یک‌جانبه کارآمد بهره می‌برد، اما توسعه ابزارهای بازدارندگی و توانمندی ممانعت از ناوبری آزاد در خلیج فارس، نوعی تقارن استراتژیک و اهرم فشار-متقابل برای طرف مقابل ایجاد کرده است. انسداد بالقوه یا بالفعل این شاهراه تجاری، که محل عبور بخش عمده‌ای از انرژی جهان است، هزینه‌های اقتصادی ملموسی را به بازارهای جهانی و به طبع آن به منافع راهبردی غرب تحمیل می‌کند و همین امر، موازنه قدرت را از یک الگوی نابرابر به سمتی هدایت کرده که در آن هر دو طرف اکنون ابزارهای جدی برای آسیب‌رساندن به منافع حیاتی یکدیگر در اختیار دارند. این تقارن نوین در ابزارهای فشار اگرچه در نگاه نخست خطر

شرق



وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در گفت‌وگو با «شرق»

گردشگری ایران در نبرد تصویرها

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید.عکس:سهند تاجی شرق

انتصاب قالیباف در قامت «نماینده ویژه ایران

در چین» به چه معناست؟

مذاکره با غرب

هماهنگ با شرق

۲

برگزیده‌ها

راه خروج از تنگه هرمز

۱

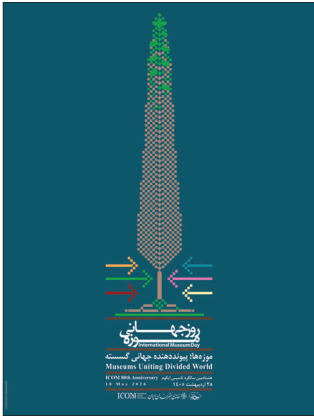
برونده‌ای به بهانه روز جهانی موزه

موزه‌ها پیونددهنده جهانی گسسته

آسیب به اثر جهانی تهران در جنگ رمضان

۱

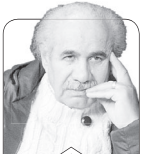
با یادداشت‌هایی از:
سید احمد محیط‌طباطبایی
منیر خلتی، محمد ابراهیم زارعی
علیرضا قلی‌نژادپیر بازار، نوید صالح‌وند



۵۴

یادداشت

صلح و جنگ در رباعیات خیام



موسی اکرمی

استادفلسفه

درآمد. فیلسوفی که باده از جام صلح گرفت بیست‌وهشتم اردیبهشت‌ماه، روز بزرگداشت عمر خیام نیشابوری است، حکیمی که در روزگار ما بیشتر با رباعیاتش شناخته می‌شود، ولی در زمان خویش فیلسوفی صاحب‌نام، ریاضی‌دانی مبتکر و اخترشناسی متبحر بود که کسانی را گمان بر این است که اصلاح گاهشماری ایرانی در دوره سلطان ملک‌شاه سلجوقی از دستاوردهای بزرگ اوست. خیام در عصری می‌زیست که در آن منازعات داخلی بر سر قدرت و خفقان فقری حاکم بر جامعه تحت نفوذ افراد متعصب، زندگی در نیشابور و دیگر شهرهای ایران را دشوار کرده بود. در چنین شرایطی، خیام به جای پرداختن به مدح سلاطین، آهنگ فلسفه و علوم عقلی کرد و در گوشه‌های خلوت، سروده‌هایی کوتاه ولی توفانی را کاغذ آورد که برای همیشه بنیادهای خشنوتی را در فرهنگ ایرانی به لرزه درآورد. رباعیات خیام به جای ستایش فتوحات، مخاطب خود را به قناعت، خرسندی، رندی و شادی دردمندان زبست در لحظه فرامی‌خواند. آیا می‌توان از رباعیات خیام، فلسفه‌های اخلاقی درباره جنگ و صلح استخراج کرد؟ پاسخ این جستار مثبت است؛ فیلسوفی که شعرش را در ترازوی علم منطق می‌سنجید و از سالوس و ریا بیزار بود، ناخواسته و به‌اختیار، جایگزینی برای ایدئولوژی‌های جنگی و خشنونت‌آمیز ساخته است. در این نوشته، با تکیه بر رباعیات معتبر منسوب به خیام در چهار محور به بازخوانی آن فلسفه خیام می‌پردازم تا سرانجام به اهمیت این رباعیات و دستان فلسفی برای ادبیات صلح و معاصر فرهنگ ضد جنگ اشاره کنم.

۱. خردورزی جوان سدی در برابر ستیز و جهل برستی

سیمای خیام در رباعیات، بیش از آنکه سیمای یک عارف وحدت وجودی یا یک لذت‌طلب دلباخته لذت‌های نفسانی باشد، سیمای یک

خردمند سرخورده از جبر و جهل است. او به‌روشنی هرگونه تعصب دامنه‌دار کور و ستیزه‌جویی برآمده از نادانی را نکوهش می‌کند.